

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز

تیمورشاه تیموری

## طنز

بود مردی در حماقت بی بدیل  
ریشش همچون چتر دیبا مینمود  
ریش او چون ریش آقای سیاف  
ریش سیاف نزد او چون بشمه بود  
طفل شوخی بود اما هوشیار  
چشم او بر ریش آن مقبل فتاد  
پیشش آمد گفت بابا السلام  
بعد احوال پرسى و جویای حال  
شب که میخوابی تو، ریشت در کجاست  
زیر لحاف و کمپل است یا روی آن  
مرد گفت تا نازمدم تا کنون  
شب که وقت خواب و خوابیدن رسید  
گاه ریش خود بردی در لحاف

داشت ریش بس عریض و بس طویل  
در قماش پشم یکتا مینمود  
از زنبق افتاده تا در زیر ناف  
ریش او در گورد رویش هاله بود  
مینمودی هر طرف گشت و گذار  
شوخی طفلانه اش در دل فتاد  
با ادب ایستاد و بنمود احترام  
گفت دارم از حضورت یک سؤال  
روی سینه میشود یا در هواست  
خارج از بستر بود یا توی آن  
که درون رخت خواب است یا برون  
بهر او وسواس و سودا شد پدید  
گاه بیرونش نمودی از لفاف

تا شفق انــــدر افق آمد پدید  
این شبش بگذشت و شبهای دگــــر  
خواب خوش از دیده اش بگــــریخته  
روز دیگــــر دید بار دیگــــرش  
گفت هر دو جنس شیطان بوده اید  
ای سگان مشرکــــان بی حیا  
من نمیدانم کنون کــــاین ریش را  
گــــر بروی لحاف بستر گسترم  
گــــر درون لحاف روی سینه ام  
آن حــــریف با ریش هر سو می تپید  
مرد شبها را همیکــــردی سحر  
ریش او بــــرا راحتش آویخته  
آن پسر را بــــا رفیق و یاورش  
بهر من آزار وجــــدان بوده اید  
ریش من ریش است نی پشم و گیا  
تا چــــه سازم مایه تشویش را  
میشود آزرده جسم و پیکــــرم  
گسترم آزده گــــردد سینه ام

از خــــدا خواهم شما را بی پدر

چــــون گدایان بی پناه و دربدر

پشمه: پوست دباغی ناشده

( المان - 23 جولای 2011 )